

چهارشنبه ۹ / ۹ / ۱۴۰۱ جلسه ۲۲

موضوع: فقه شعائر / بررسی مصادیق شعائر / سجده بر خاک

کلام در سجده بر مهر بود که یکی از شعائر مکتب اهل بیت علیهم السلام است که مقید بر سجده بر خاک هستند، مهر هم قطعه جمع شده ای از خاک است و حمل و نقل آن آسان است و پاکیزه تر است؛ چون داخل پوششی قرار می گیرد.

سیره مبارکه پیامبر همین بوده که در بعضی از تعبیر: رأیت النبی اذا سجد وضع جبهته و انفه علی الارض - جعلت لی الارض مسجدا و طهورا - طهور هم چیز هایی را اهل تسنن قائل هستند که ما نیز به آنها قائلیم که بیان باشد از خاک و سنگ و امثال اینها، وقتی ارض طهور است، مسجد هم همینطور است. بعلاوه اینکه خود اهل تسنن هم به این مطلب قائلند که بر زمین باید تیمم کرد، پیامبر اکرم هم همینطور بودند.

کتاب احکام القرآن عامدی جلد ۳ صفحه ۳۶، مسند احمد، سنن بیهقی، کنز العمال متقی هندی، و روایات در این زمینه تواتر معنوی دارد.

عایشه نقل می کند ما رأیت رسول الله متقیاً وجهه بشیء، حضرت صورت را با چیز نمی پوشاندند

ابن حجر در فتح الباری (شرح صحیح بخاری): و فی الحدیث اشاره الی ان مباشرة الارض عند السجود هو الاصل لانه علق بعدم الاستطاعة: اصل مباشرت با زمین است، و بر فرض عدم استطاعت بر چیز دیگری نیز جایز شده است و الا باید پیشانی را بر زمین گذاشت.^۱

یا در روایتی از ام سلمه وارد شده است که: رأی النبی غلاما لنا یقال له افلح ینفخ اذا سجد حضرت فرمودند یا افلح ترب وجهک^۲. غلام حین سجده فوت می کرده که خاک ها کنار برود و بر زمین سخت سجده کند و حضرت اینطور به او فرمودند. در روایتی دیگر: یا رباح ترب وجهک؛ که نص در خاک است.

ابوصالح: دخلت علی ام سلمه، فدخل علیها ابن اخ لها، فصلی فی بیتها رکعتین فلما سجد نفخ التراب، فقالت ام سلمه یابن اخی لاتنفخ فانی سمعت رسول الله یقول لغلام یقال له یسار، و نفخ؛ ترب وجهک لله^۳. پس سیره حضرت سجده بر زمین و تاکید بر سجده بر خاک بوده است.

ترب وجهک یک معنای قریب دارد که سجده بر خاک است و معنی غریب آن این است که نگران خاکی شدن پیشانی ات نباش. امر به تبرید الحشاء و امر به حسر العمامه عن جبهته هم داشتند.

۱. فتح الباری، العسقلانی، ابن حجر، ج ۱، ص ۴۹۳.

۲. معرفه الصحابه، الأصبهانی، أبو نعیم، ج ۱، ص ۳۳۵.

۳. المسند الموضوعی للکتاب العشره، صهیب عبد الجبار، ج ۱، ص ۲۵۰.

ابن سعد در الطبقات الکبری: ^۴ روی آن النبی کان اذا سجد رفع العمامه عن جبهته. حضرت عمامه را از پیشانی بالاتر می بردند.

روی عن علی امیر المومنین علیه السلام انه قال اذا کان احدکم یصلی فلیحسر العمامه عن وجهه.^۵

سپس متقی هندی می گوید: حتی لایسجد علی کور العمامه

کور: تحت الحنک، و یا عمامه روی پیشانی آمدن.

نکته بعد سیره صحابه و تابعین است که همین بوده است.

عن ابی عبیده: ان ابن مسعود لایسجد الا علی الارض.^۶ نکره و استثنا که دال بر حصر است.

کان مسروق ابن اجدع - که از اطرافیان ابن مسعود است - من اصحاب ابن مسعود لایرخص فی السجود علی غیر الارض حتی فی

السفینه و کان یحمل فی السفینه شیئا یسجد علیه.^۷ حتی در کشتی چوبی هم اجازه نمی داد سجده بر غیر خاک باشد.

کان عمر بن عبدالعزیز لایکتفی بالخمرة بل یضع علیها التراب و یسجد علیه - سجاده ای از لیف خرما به مقداری که مصلی بر آن

سجده می کند - فان عزم بحیث یکفی لجسده کله فی الصلاة فهو حصیر فلیس بخمره.

کان عروه ابن زبیر یکره الصلاة علی شیء دون الارض:^۸ نماز را بر غیر زمین بد می دانست.

علی بن عبدالله بن عباس کتب الی زرین ان ابعث علی بلوح من احجار المروه، علیه اسجد: سنگی از سنگ های کوه مروه را برای

سجده برای سجده من بفرست.

پس حمل شیء کوچکی برای سجده غریب نیست و معهود بوده.

مصنف ابن ابی شیبہ، باب من کان حمل فی السفینه شیئا یسجد علیه:

ان التابعی الفقیه - طبقه بعد اصحاب - مسروق ابن اجدع - م ۶۲ - کان یصحب - کان و مضارع دال بر استمرار است و سیره

شخص را می رساند - فی اسفاره لینه - تکه ای از خشت خام - من المدیة یسجد علیها.^۹

این هم سیره صحابه و تابعین و سجده بر تراب و ارض در مرحله اول و سپس سجده بر خمر و حصر هم تجویز شد و در مرحله

بعد سجده بر ثیاب لعذر است که در جلسات بعد بررسی می شود.

۴. الطبقات الکبری - ط العلمیة، ابن سعد، ج ۱، ص ۳۵۲.

۵. کنز العمال، المتقی الهندی، ج ۸، ص ۱۳۱.

۶. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد - ت حسین أسد، الهیثمی، نور الدین، ج ۲، ص ۵۷.

۷. الجامع الصحیح للسنن والمسند، صهیب عبد الجبار، ج ۱۶، ص ۹.

۸. أرشیف ملتقی أهل الحديث - ۲، ملتقی أهل الحديث، ج ۶۰، ص ۹۵.

۹. سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعه وأثرها السیئ فی الأمة، الألبانی، ناصر الدین، ج ۳، ص ۱۶۵.